مستند

## مستند پرتره «متولد آذر» رونمایی می‌شود

مستند پرتره «متولد آذر» با موضوع زندگی مرتضی سرهنگی هفته آینده رونمایی می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، مراسم رونمایی از مستند پرتره مرتضی سرهنگی با عنوان «متولد آذر»، ساعت ۱۵ یکشنبه ۲ دی‌ماه در تالار سوره حوزه هنری و با حضور شخصیت‌های فرهنگی، ادبی و سینمایی کشور برگزار می‌شود. مستند «متولد آذر» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سیدرضا حسینی به زندگی و زمانه مرتضی سرهنگی، چهره برگزیده هنر انقلاب و پژوهشگر پیشکسوت دفاع‌مقدس می‌پردازد. این اثر از سوی مرکز مستند سوره حوزه هنری به بخش جایزه شهید آوینی شانزدهمین جشنواره فیلم‌های مستند «سینماحقیقت» راه یافت و در این جشنواره به نمایش درآمد. سرهنگی سال ۹۳ به عنوان چهره برگزیده هنر انقلاب انتخاب شد.

■■■

## «مشدعباس» به شبکه مستند می‌آید

مستند «مشدعباس، بودن یا نبودن» به کارگردانی سیدهاشم مرتضویان در جدیدترین قسمت برنامه «به اضافه مستند» روی آنتن شبکه مستند می‌رود. به گزارش «وطن‌امروز»، پنجمین قسمت از فصل سوم «به اضافه مستند»، با پخش و بررسی مستند «مشدعباس، بودن یا نبودن» ساخته سیدهاشم مرتضویان از شبکه مستند پخش خواهد شد. در این قسمت و پس از پخش مستند، سعید درخشانی، رئیس اتحادیه سوپرمارکت‌داران و حسین صبوری، از کارشناسان اقتصادی میهمان برنامه خواهند بود و درباره اقتصاد در فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مشکلات و راهکارهای آن صحبت خواهند کرد. مستند «مشدعباس، بودن یا نبودن»، داستان «مشدعباس»، از کاسبان قدیمی شهر اصفهان است که اکنون با ورود فروشگاه‌های زنجیره‌ای به این شهر، کسب‌وکار خود را در معرض خطر می‌بیند و دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا در این شغل بماند یا برود. این مستند نیمه‌بلند پس از اکران موفق در شهر اصفهان، در برنامه «به اضافه مستند» پخش خواهد شد. این قسمت از برنامه، سه‌شنبه ۲۷ آذر ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند پخش می‌شود.

سینما

## «سوءتفاهم» برای اکران عمومی کوتاه شد

فیلم سینمایی «سوءتفاهم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی با ایجاد تغییراتی در پایان‌بندی اکران می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، «سوءتفاهم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی که سال گذشته در جشنواره فجر حضور داشت، با ایجاد تغییراتی آماده اکران عمومی می‌شود. «سوءتفاهم» با دستمایه طنز سراغ مفهوم فراواقعیت در دنیای امروز رفته و پیچیدگی روابط اجتماعی را به تصویر می‌کشد. این فیلم با نسخه ۱۱۳ دقیقه‌ای خود در جشنواره فیلم فجر شرکت کرده بود ولی برای اکران عمومی در دی‌ماه نسخه ۹۳ دقیقه‌ای فیلم به نمایش گذاشته می‌شود، به‌علاوه تغییراتی در پایان‌بندی فیلم ایجاد شده است. هانیه توسلی، کامبیز دیرباز، اکبر عبدی و مهدی فخیم‌زاده از دیگر بازیگران این فیلم سینمایی هستند که هر یک نقشی متفاوت را جلوی دوربین احمدرضا معتمدی بازی کرده‌اند.

■■■

## نمایش فیلم تحریمی جشنواره کن در دومین برنامه سینماتک

فیلم سینمایی «مریم» ساخته «باسل‌الخطیب» و محصول ۲۰۱۲ سوریه در دومین برنامه از دور جدید سینماتک تهران به نمایش درمی‌آید. به گزارش «وطن‌امروز»، این فیلم داستان ۳ زن به نام مریم است در ۳ مقطع تاریخ حساس سوریه در ۱۰۰ سال اخیر که در ۳ اپیزود تولید شده است. این ۳ زن روایتگر اثرات جنگ‌های جهانی اول در سال ۱۹۱۸، جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و بحران کنونی سوریه بر جامعه، زنان و مردم این کشور هستند. این فیلم سه‌شنبه (امروز) از ساعت ۱۷:۳۰ در سالن سوره حوزه هنری پخش می‌شود و حضور برای عموم آزاد است. «مریم» که نخستین فیلم از سه‌گانه باسل الخطیب از جنگ سوریه است، در سال ۲۰۱۲ ساخته شد اما در همان سال‌ها مورد تحریم جشنواره‌های منطقه همچون جشنواره دوبی و جشنواره‌های بین‌المللی از جمله کن قرار گرفت.

### گزارش «وطن‌امروز» از جریان‌شناسی سینمای ایران در موضوع مهاجرت

# سفر به هیچ!

**محسن شهمیرزادی:** سینمای ایران در بسیاری از اوقات توانسته بازنمای بخشی از جامعه ایران باشد. چالش‌هایی که در زندگی اجتماعی مردم وجود دارد، همواره سهمی ولو اندک در سینما داشته و به همین واسطه هنر هفتم را می‌توان نماینده‌ای از خواسته‌ها و دغدغه‌های بخشی از جامعه ایرانی در هر دهه دانست. در میان چالش‌های زندگی اجتماعی ایرانی‌ها، مساله «مهاجرت» نیز سهم بسزایی در سینما داشته است؛ سهمی که این روزها در بازار کمدی پررونق شده است و فیلم‌های گوناگونی با مساله مهاجرت در سال‌های اخیر روی پرده رفته‌اند. در یکی، دو سال اخیر بسیاری از آثار سینمایی مفهوم مهاجرت را در قصه‌های فرعی خود دنبال کرده‌اند اما در فیلم‌هایی چون «نهنگ عنبر»، «مصادره»، «تگزاس»، «لس‌آنجلس- تهران»، «چهارراه استانبول»، «زرد»، «میلیونر میامی» و تازه‌ترین آنها یعنی «کلمبوس»، بدون در نظر گرفتن اهمیت کیفی آنها، مهاجرت اهمیت محوری در داستان‌های‌شان داشته و عمده این فیلم‌ها در زمره آثار پرفروش قرار داشته‌اند. علاوه بر این در طول چند دهه گذشته نیز مهاجرت نقش بسزایی در خلق آثار سینمایی داشته است که می‌توان با مشاهده کلی آنها به ریشه، علائم و شیوه بازنمایی آنها پی برد.

■ **سینما مهاجرت!**

هرچند می‌توان دسته‌بندی‌های گوناگونی از پرداختن به مضمون مهاجرت در سینمای ایران ارائه داد اما با توجه به هر دهه، سینمای ایران فیلم‌های مهاجرتی را با دغدغه «کار» در دهه ۷۰، «نخبگانی» در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ و «سبک زندگی» در سال‌های پایانی دهه ۹۰ خلق کرده است. البته در میان این سه‌گانه، مضامینی چون مهاجرت اجباری، خانوادگی و... نیز به صورت معدود در همه دهه‌ها وجود دارند.

«ارتفاع پست» یکی از فیلم‌های شاخص در زمینه مهاجرت در حوالی دهه ۷۰ است. این فیلم به نویسندگی اصغر فرهادی و کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا روایت فردی به نام جاسم است که به شوق مهاجرت و رویای کار و زندگی مرفه، تمام خانواده و اقوام خود را سوار هواپیمایی می‌کند که قصد رباین آن و سفر به کشوری در حاشیه خلیج فارس را دارد. «آدم‌برفی» اولین اثر سینمایی داوود میرباقری روایت زندگی فردی به نام «عباس خاکپور» با بازی اکبر عبدی است که همه آینده خود را در آمریکا می‌بیند و تمام تلاش خود را می‌کند تا به آنجا برسد؛ حتی اینکه بخواهد خود را تبدیل به زنی کند که به‌واسطه ازدواج با مردی از ترکیه به آمریکا برسد. «بوتیک» حمیدالله نیز دیگر اثر مرتبط با مهاجرت در ابتدای دهه ۸۰ است. در این فیلم گلشیفته در نقش اتی (احترام) سهم خود را از خانه اجاره‌ای که با دوستانش اجاره کرده نپرداخته و صاحبخانه قصد دارد آنها را بیرون کند. محمدرضا گلزار در نقش «جهانگیر» نیز جوانی که در بوتیک کار می‌کند مبلغ مورد نیاز اتی را فراهم می‌کند اما اتی با آن مبلغ تصمیم می‌گیرد به خارج برود. سعی اتی برای تهیه کسری پولی که برای خارج رفتن نیاز دارد او را در موقعیت خطیری قرار می‌دهد. «زرد» عنوان فیلمی است که چند تن از جوان‌های مخترع و نخبه برای ادامه تحصیلات و کار خود قصد سفر به ایتالیا را دارند که سلسله مشکلاتی آنها را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد و نیمی از آنها نمی‌توانند به ایتالیا برسند. «جدایی نادر از سیمین» روایت زندگی متشتت نادر و سیمین است که در خلال آن سیمین می‌خواهد مهاجرت کند اما همسرش نادر نمی‌خواهد از ایران خارج شود. پدر نادر مریض است و او نمی‌خواهد پدرش را رها کند. ترمه دختر نادر و سیمین باید در یک انتخاب سخت ماندن پیش پدر یا رفتن با مادر را انتخاب کند. پایان فیلم باز است و ما نمی‌دانیم که در نهایت ترمه چه تصمیمی می‌گیرد و سوال باز مهاجرت بی‌پاسخ در ذهن مخاطب می‌ماند. در نیمه دوم دهه ۹۰ «کلمبوس» یکی از چند فیلمی است که در ژانر کمدی، مهاجرت به آمریکا را مورد توجه قرار می‌دهد. فیلم هاتف علیمردانی روایت یک خانواده متمول است که قصد مهاجرت به آمریکا را دارند. پسر این خانواده دنبال اجرای دسیسه است تا سرمایه را به تنهایی از آن خود کند اما این مهاجرت آینده خوشی برای خانواده ندارد.

■ **تلخی وطن شیرین‌تر از غربت**

در تمام این فیلم‌ها چالش‌هایی چون کار، وضعیت نخبگان، سبک زندگی و... موجب شده است کاراکترهای سینمایی قصد مهاجرت به کشورهای اروپایی و آمریکایی داشته باشند اما به‌رغم این انتخاب، در عمده آثار سینمایی، مهاجرت به عنوان یک راه‌حل اولیه اما ناکارآمد مطرح شده است. عمده مهاجرت‌ها در سینمای ایران- که برخاسته از واقعیت است- به خیر و خوشی تمام نمی‌شود. در واقع برخلاف خیال و رویای این سو، هیچ آرمانشهری در آن سو به چشم نمی‌آید. از همین جهت است که سینمای ایران برای مهاجرت یک تلخی بی‌پایان متصور است. در تمام فیلم‌هایی که پیش از این برای شاهد مثال موضوع مهاجرت مطرح شد، شخصیت‌های اصلی داستان که در پی مهاجرت بودند به آرمانشهر فرنگ خود نرسیدند. این بازنمایی در آثاری که با مضمون مهاجرت معکوس- یعنی بازگشت به ایران- تولید شده‌اند نیز قابل توجه است. در «مینای شهر خاموش» به کارگردانی امیرشهاب رضویان، دکتر بهمن پارسا پس از ۳۳سال از آلمان به ایران بازمی‌گردد. با یکی از دوستان قدیمی پدرش (پیرمردی به نام قناتی با بازی عزت‌الله انتظامی)، به زادگاه‌شان (بم) می‌روند. دکتر پارسا در پی یافتن عشق گمشده‌اش، مینا در بم می‌گردد و رابطه‌اش تدریجا با قناتی عمیق‌تر می‌شود. مینای شهر خاموش پدیده نوستالژی بعد از مهاجرت و وصل بودن به ریشه‌های فرهنگ اصلی را بخوبی نشان می‌دهد. «در دنیای تو ساعت چند است» به کارگردانی صفی یزدانیان، لیلا حاتمی در نقش «گلی» بعد از ۲۰ سال زندگی در فرانسه یک‌باره تصمیم می‌گیرد به ایران و زادگاهش، شهر رشت سفری کند. علی مصفا در نقش فرهاد در رشت به استقبالش می‌رود، چرا که آن دو یک آشنای قدیمی بوده‌اند اما گلی اصلاً او را به یاد نمی‌آورد ولی علاقه پیشین فرهاد به گلی باعث می‌شود تا او همچنان عاشق گلی بماند و درنهایت گلی اگرچه پیشینه‌اش را از یاد برده اما در ایران ماندنی می‌شود.

■ **یک قدم تا بودن و ساختن!**

نسخه ناقص مهاجرت برای درمان چالش‌های جامعه اگرچه بخوبی در سینمای ایران بازنمایی شده است اما تجویزی در این‌باره کمتر به چشم می‌آید. تولید آثاری با مضامین خودباوری، بودن و ساختن و عدم نگاه توریستی به وطن به‌رغم اهمیت آنها کمتر به چشم می‌آید. همچنین تبدیل موضوع مهاجرت به امر صرفا کمدی و دستمایه‌ای برای خلق آثار هجو به لوث شدن این مساله می‌انجامد. هرچند بخش زیادی از پرداخت هجوآمیز به موضوع مهاجرت بر اساس کلیشه‌های فیلم‌های گیشه‌ای بوده است و دغدغه‌ای در پی آن دیده نمی‌شود اما با این وجود آینده مهاجرت به آرمانشهر واهی غرب، تجربه‌ای بر مبنای واقعیت را رقم زده است که ناخودآگاه بازنمایی آن در سینما، تبدیل به چنین مضامینی می‌شود. هرچند تکلیف فیلم‌های دغدغه‌مند اما ضعیفی چون کلمبوس در این میان متفاوت است.

در این میان آنچه ضروری به نظر می‌رسد، اصلاح نگرش به بازنمایی وضعیت موجود است. درواقع این آثار عمدتا ایران را نه به مثابه وطن بلکه به عنوان سرزمینی اجباری برای زیستن می‌دانند که فرار از آن به رهایی منجر نمی‌شود و مهاجرت از این مکان راه نجات نیست. از سوی دیگر مخاطب در پایان بازی می‌ماند که در آن وطن به ناچار راه کم دردسرتری برای زیستن است. حال آنکه قدم دوم افزایش انگیزه برای بودن و ساختن است و به قول آن دیوارنگاره مشهور در حلب باید به این رسید که :«وطن هتل نیست که وقتی خدماتش خوب نبود ترکش کنیم. ما اینجا خواهیم ماند».

یادداشت

### نگاهی به فیلم سینمایی «کلمبوس» ساخته هاتف علیمردانی

## حیف شدن یک ایده خوب!

**احسان سالمی:** تازه‌ترین ساخته هاتف علیمردانی حاصل یک ایده خوب است که حیف شده است؛ ایده‌ای که می‌توانست یک کمدی سرحال و جذاب و مخاطب‌پسند باشد ولی در نهایت تبدیل به یک اثر سرگردان میان ۲ ژانر کمدی و خانوادگی شده است. «کلمبوس» قصه خانواده‌ای است که ۲۰ سال سودای گرفتن گرین کارت آمریکا را در سر می‌پروانند و در تمام این ۲۰ سال همچون کسی که در آخرین روزهای پیش از آغاز یک سفر همیشگی و طولانی قرار دارد، زندگی می‌کنند. حالا بعد از ۲۰ سال این فرصت برای همه اعضای خانواده فراهم شده تا در کنار هم به آمریکا مهاجرت کنند ولی چند اتفاق زنجیره‌وار مانع تحقق این رویا ۲۰ ساله می‌شود. «کلمبوس» که با ترکیب بازیگرانش و مقدمه ابتدایی اثر برای ورود به قصه و معرفی شخصیت‌ها تقریبا خود را به عنوان اثری کمدی در ذهن مخاطب جا می‌اندازد در ادامه تبدیل به یک اثر جدی می‌شود و تا پایان فیلم مخاطب را در

دوگانه فیلم کمدی یا جدی سرگردان نگه می‌دارد؛ هر چند که بخش‌های کمدی قصه نیز آنچنان که باید شاید نمی‌تواند مخاطب را بخنداند! البته «کلمبوس» با وجود ایده مهم محوری‌اش در ارتباط با حس وطن‌پرستی و تصویر واقعی مهاجرت، در نهایت گرفتار نوعی نقض غرض می‌شود، چرا که با وجود نمایش سختی‌های ناشی از مهاجرت که در گاهی از موارد با تحقیر نیز همراه است، در نهایت نمی‌تواند مخاطب خود را قانع کند که چرا شخصیت مهاجرت کرده فیلم باز هم تمایلی برای بازگشت به وطن و زندگی آبرومندانه در آن ندارد؛ موضوعی که باعث می‌شود جمع‌بندی نهایی فیلم برخلاف نظر و نیت اصلی فیلمساز در ارتباط با مهاجرت و مسائل مرتبط با آن باشد. با این همه به نظر می‌رسد کلمبوس با وجود پایان‌بندی تقریبا متناقض و البته قصه کند و قابل پیش‌بینی خود باز هم می‌تواند این سوال را در ذهن مخاطب ایجاد کند که آیا واقعا مهاجرت آنگونه که تبلیغ می‌کنند، جذاب است؟

شعر

### در حال و هوای شاعری احمد علوی به بهانه بزرگداشت او در چهل و پنجمین «شب شاعر»

## در طریق شعر علوی

■ حسین قرائی ■

سال‌های ۹۲-۹۱ بود که برای تهیه مستندی درباره «احمد علوی» به قم رفته بودیم. مستند جمع و جوری را ساماندهی کردیم و از قم بازگشتیم. تهیه آن مستند ۲۰ دقیقه‌ای باعث شد «احمد علوی» شاعر جوان را بیشتر بشناسم. وقتی در محله قدیمی‌شان «شاه ابراهیم قم» گذر می‌کردیم با صفای ستودنی‌ای از آن سال‌ها روایت می‌کرد. از پدر و مادرش می‌گفت. از سال‌های کارگری و گچکاری تا استادکاری‌اش در عنفوان نوجوانی می‌گفت. همان موقع متوجه شدم رنج‌های او از ۸ سالگی (سال از دست دادن پدر) تا جوانی‌اش او را ساخته و پرداخته است. علوی در کوره زندگی گداخته شده و در جویبار شعر هم لباس زلالی پوشیده است. این را وقتی متوجه می‌شویم که دفاتر «سادات بخشند»، «علوی‌ها» و «گلوگاه» را می‌خوانیم. شعر روان و بی‌پیرایه این «شاعر- معلم» قمی باعث شده جمع کثیری از مادحین اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هم آن را زمزمه کنند. البته روانی شعر او همینجا متوقف نمی‌شود. سر و شکل دادن ویژه علوی به اشعار و کلمات باعث شده شعرش با سادگی و صداقت خاصی بین جماعت راه باز کند. یکی از شعرهایی که این طرف و آن طرف دیدم می‌خوانند و من هم ایضا می‌خوانم روایت او از زندگی‌اش است؛ «مادرم قوت غالبش گریه، پدرم قوت غالبش غم بود به گمانم برای این دو نفر همه ماه‌ها محرم بود سال شصت‌وچهار شمسی بود، عصر یک روز سرد پاییزی مادرم آش پشت پا می‌پخت، در نگاهش چقدر شبنم بود پدرم مانده بود چشم به راه، عملیات کربلا شد و ... آه مثل قاسم شبیه عبدالله، سن و سال برادرم کم بود

پیرمرد و نگاه در به درش، بدن تکه‌تکه‌پسرش همه دیدند خم شده کمرش، پدرم روضه مجسم بود مادران شهید منحنی‌اند، پدران بیشترشکستنی‌اند مادرم مثل رود در جریان، پدرم مثل کوه محکم بود پدر و پینه‌های دستانش، پدر و شصتمین زمستانش در کنار غم فراوانش، روزی شعر من فراهم بود». (گلوگاه ص ۳۶)

در حقیقت شعر علوی مثل زندگی‌اش است. در آینه شعر شاعر «گلوگاه» می‌توان زندگی‌اش را به تماشانشست.

وقتی مجموعه‌های شعری علوی را می‌خوانیم به سطح وسیع مطالعات و نشستن او با بزرگان شعر پی می‌بریم. شاگردی او در محضر استاد محمدعلی مجاهدی (پروانه) از او شاعری توانمند و قابل تحسین ساخته و شاید از همین منظر است که ۳ کتاب او با مقدمه استاد مجاهدی آذین بسته شده است. از همین منظر و منظره به شعرهای دفتر «علوی‌ها» بنگرید تا تلمیحها و اشارات وی بیشتر نمایان شود؛

«مردم کوچه‌های خواب‌آلود، چشم بیدار را نفهمیدند مرد شب‌گریه‌های نخلستان، مرد پیکار را نفهمیدند وصله‌های لباس و پاپوشش، و یتیمان مست آغوشش راز آن کیسه‌های بر دوشش، در شب تار را نفهمیدند مردم دل‌بریده از بعثت، که فقط فکر آب و نان بودند مثل اشرف عهد دقیانوس، قصه غار را نفهمیدند با تبر باغ را درو کردند، حالی از باغبان نپرسیدند خم به ابروی‌شان نیاوردند، در و دیوار را نفهمیدند نیمه‌شب بود و سایه‌ها آرام، کوچه را خیس اشک می‌کردند گفت مولا که زود برگردیم، تا غم یار را نفهمیدند لات‌هایی که عبدود بودند، ابتدا با هبل بلی گفتند بعد از آن هم که یاعلی گفتند، «این عمار» را نفهمیدند آخر قصه‌اش بهاری بود، سوره انفطار جاری بود عالمان قرائت و تفسیر، شوق دیدار را نفهمیدند کودکانی که با خبر بودند، از همه روزه‌دارتر بودند بس که لب‌تشنه سحر بودند، وقت افطار را نفهمیدند...». (علوی‌ها ص ۱۷،۱۸)

و هنگامی که ترکیب‌بندی «علوی» وی را مرور می‌کنیم به ریزنگاری‌هایی که در گچبری کلماتش مهندسی کرده بیشتر پی می‌بریم. مثلا او در یکی از بندها به این موضوع محققانه می‌پردازد که «عمان سامانی» از منظر «عشق» شعر برای حضرت اباعبدالله سروده و محتشم از منظر «سوگ». گویی علوی صاحب نگاهی از شعر است که خیلی‌ها هنوز مانده تا به این نگاه بلند برسند. نگاهی که از سر شیفتگی و ارادت به خاندان عصمت و طهارت است. یکی از این شیفتگی‌ها که باعث شکفتگی زبان تازه و بدیع و در عین حال ساده و صادق علوی است را به تماشابنشینید؛

«عشقت آتش شد و در خرمن عمان افتاد
هرکه مجنون تو شد بی‌سر و سامان افتاد»

بارها و بارها شعرخوانی و دکلمه‌های حماسی علوی را دیدم و این صحنه را متصور شدم که شمشیر شعر بر دست دارد و رجز می‌خواند و از اهل‌بیت علیهم‌السلام در هر شعر دفاع می‌کند. دفاعی مقدس که ریشه در عقیده راسخ او دارد. به نظرم با این همه بزرگواری‌ها، علوی را باید بزرگ دانست هر چند از نظرگاه سنی هنوز به ۵۰ سالگی نرسیده است. شاعری علوی و شاعرانی از این دست که سلوک شاعری می‌دانند برایم قابل توجه بوده و هست. مگر می‌شود شاعری ۵۰۰ شعر فقط به عشق حضرت مولا علی(ع) بسراید و آدم دوستش نداشته باشد. گاهی اوقات که خدمات احمد علوی ۲۰-۱۹ ساله از روستای دورافتاده چشمه‌شور قم را مرور می‌کنم؛ پیش خود می‌گویم ۵ سال خدمت در آن روستا و ۲۳ سال آموزگاری در مقطع دبستان آن هم تدریس در مناطق فقیرنشین قم، علوی را شاعر مردم ساخته است. چون او به چهره همین دانش‌آموزان چشم می‌دوزد و برای نگاه‌های ایشان ارزش قائل است. بی‌شک تلاش ستودنی این معلم مهربان بوده که دانش‌آموزانش مدیران فرهنگی استانش شده‌اند که نام‌های‌شان را باید از شاعر مردم و معلم عاشق‌پیشه روزگارمان احمد علوی شنید. علوی زندگی پرپیچ‌وخمی را در طریق شعر پیموده که این پیمودن را پس از خوانش اشعارش باید در زندگی‌اش به تماشا نشست.

تلویزیون

## چه کسی بازیگر نقش حضرت موسی(ع) می‌شود؟

جمال شورجه بعد از اعلام شروع پیش‌تولید سریال تلویزیونی «موسی(ع)» توسط رئیس سازمان صداوسیما، درباره انتخاب بازیگران گفت: بعد از مشخص شدن پیش‌تولید خیلی جدی پیگیر چیدمان نقش‌ها و کاراکترها هستم. به احتمال زیاد نقش اصلی سریال را به یک بازیگر ناشناخته تئاتری و آشنا به معارف قرآنی واگذار خواهم کرد اما هنوز بازیگرها مشخص نشده‌اند. شورجه که این خبر را به تسنیم اعلام کرده، با اشاره به جلوه‌های ویژه این سریال، گفت: به دلیل معجزات حضرت موسی(ع) که ۹ معجزه مهم داشتند امیدواریم بتوانیم از نیروهای ایرانی آشنا به جلوه‌های ویژه استفاده کنیم. قطعاً سوپرویزری برای این کار خواهیم داشت و چندین دفتر درگیر خواهند شد. شورجه درباره لوکیشن‌های خارجی این سریال تصریح کرد: با توجه به اینکه رویکرد سازمان صداوسیما این است که سریال «موسی(ع)» به صورت بین‌المللی و فرامرزی آماده شود با بازیگران جهان عرب رایزنی‌هایی کرده‌ایم که از وجودشان استفاده کنیم تا مخاطبان این پروژه جهانی باشند. فعلاً پیش‌بینی خاصی برای لوکیشن‌های خارجی نداریم اما کشور الجزایر پیشنهاد ما است، چرا که خودم در آنجا کار کرده‌ام و با محیط آن آشنایی دارم. حتی پیشنهاد سرمایه‌گذاری هم داده‌اند. وی در پایان با اشاره به تاثیر گسترده‌ای که سریال‌های مهمی چون «حضرت یوسف(ع)» در کشورهای مسلمان داشتند، اظهار کرد: در الجزایر به‌خاطر کارگردانی پروژه‌ای به نام «احمد بای» هرکجا می‌رفتم متوجه می‌شدند دستی در ساخت سریال حضرت یوسف داشتم و قرار است پروژه‌ای به نام «موسی(ع)» توسط بنده ساخته شود. مردم لطف داشتند و مشتاق بودند به نوعی در این کار سهیم و شریک باشند.

گیشه

## «اتاق تاریک» به سینماها می‌آید

سخنگوی شورای صنفی نمایش از آغاز اکران «اتاق تاریک» و پایان کار «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و «هشتگ» در سینماها خبر داد. به گزارش مهر، غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش با اشاره به برگزاری جلسه این شورا گفت: در آخرین جلسه شورای صنفی نمایش مشخص شد که فیلم «اتاق تاریک» به کارگردانی روح‌الله حجازی از چهارشنبه ۲۸ آذر در سرگروه آزادی اکران می‌شود. وی ادامه داد: سقف هفته‌های نمایش در تهران برای فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ‌زده» به کارگردانی هومن سیدی و «هشتگ» به کارگردانی رحیم بهبودی‌فر به پایان رسیده است و این آثار در سینماها تعویض می‌شوند و تنها می‌توانند در پردیس‌های سینمایی به اکران خود ادامه دهند. فرجی در پایان گفت: در این جلسه دوباره تاکید شد تا برای سرگروه‌هایی که هیچ قراردادی ندارند، قرارداد فیلم کودک ارائه شود.

کتاب

## نویسنده کتاب ضدترامپ بین پردرآمدترین نویسندگان

«مایکل وولف» به لطف نگارش کتاب «آتش و خشم» با درآمد ۱۳ میلیون دلاری به جمع ۱۰ نویسنده پردرآمد سال ۲۰۱۸ میلادی راه یافت. به گزارش ایسنا به نقل از فوربس، پس از اینکه بخش‌هایی از کتاب افشاگر «آتش و خشم» در ابتدای سال در نشریه گاردین منتشر شد، وکیل ترامپ به سرعت نامه‌ای به نویسنده و ناشر کتاب نوشت و مدعی شد این کتاب شامل اطلاعات افتراآمیز و توهین‌آمیز است و حتی خود ترامپ نیز در صفحه توئیتر خود به «مایکل وولف» حمله و او را یک بازنده کامل توصیف کرد که برای فروش کتاب خسته‌کننده و خلاف واقع خود داستان‌هایی را سر هم کرده است. «مایکل وولف» در این کتاب به شکل بی‌سابقه‌ای به کابینه ترامپ از جمله «استیو بنن» استراتژیست ارشد و سابق کاخ سفید دسترسی داشته و در کتاب ۳۳۶ صفحه‌ای خود به مسائل گوناگونی از پشت پرده کاخ سفید از جمله توصیف رفتار «ترامپ» و تعامل آشفته او با کارکنان ارشد کاخ سفید تا ارائه توضیحات خفت‌باری درباره خانواده «ترامپ» از زبان «استیو بنن» پرداخته است. در این کتاب «ترامپ» به شخصی تشبیه شده که کارکنان کاخ سفید احترامی برای او قائل نیستند و ۱۰۰ درصد اطرافیانش معتقدند شخصی مناسب برای ریاست‌جمهوری آمریکا نیست. در فهرست پردرآمدترین نویسندگان سال ۲۰۱۸ که از سوی نشریه فوربس منتشر شده ۱۱ نویسنده حضور دارند که در مجموع طی سال جاری میلادی ۲۴/۵ میلیون نسخه کتاب فروخته‌اند و درآمد ۲۸۳ میلیون دلاری به جیب زده‌اند.